

حرف حساب



من را آقای «پیروزی» خطاب می‌کنند

■ محمد گلریز

برای دفاع مقدس حدود ۴۲هزار خواننده‌ام، آثاری که خواننده‌ام، به آنها علاقه‌مند بوده‌ام، چراکه مقطعی از تاریخ دفاع مقدس را بیان می‌کردند.

من هر کدام از آثاری را که خوانده‌ام، دوست دارم ولی یکی از آن آهنگ‌ها برایم فرق دارد. یکی از کارهایم که نه به تأیید من، بلکه به تأیید همه اهالی مرتبط با دفاع مقدس و موسیقیدانان ماندگار شد، «خجسته باد این پیروزی» بود که حتی خارج از مرزها رفته است.

به خاطر دارم که یکی از دوستان که در امریکا تحصیلی می‌کرد، تعریف می‌کرد که استادش در واحد درسی موسیقی بین‌الملل موسیقی قطعه «خجسته باد این پیروزی» را به لحاظ فنی و تنظیم شرح داده است. این قطعه در بین مردم هم بسیار ماندگار شد و هنوز وقتی من را در کوچه و خیابان می‌بینند، زیر آواز می‌زنند و بخشی از این آهنگ را می‌خوانند یا اینکه به جای نام خودم، من را آقای «پیروزی» خطاب قرار می‌دهند.

درباره اینکه از همکاری با کدام آهنگساز احساس راضیت خاطر بیشتری دارم، باید بگویم من با بسیاری از آهنگسازان و شعرا کار کرده‌ام که تمامی آنها بدون چشمداشت مادی کار می‌کردند و از جان و دل برای کار خود مایه می‌گذاشتند. این آهنگسازان افراد نام‌آشنایی همچون هادی آرم و محمد میرزمانی بودند که کارهای ماندگاری برایم ساختند ولی شاخص‌ترین آنها آقای راغب بود.

بیشتر کارهایم به دست آقای احمدعلی راغب ساخته شد که آثار خیلی خوبی هم بودند، نمونه‌اش همین «خجسته باد این پیروزی» بود، البته که آقای راغب به «مرد هزار آهنگ» معروف بود، زیرا هر ملودی‌ای که می‌ساخت با دیگری متفاوت بود که این امر حکایت از استعداد فوق‌العاده او داشت. فراموش نکنیم آهنگساز مهم است ولی آن کسی که یک قطعه موسیقی را جلوه می‌بخشد، تنظیم‌کننده است.

در حقیقت فردی که می‌تواند یک قطعه موسیقی را برای مردم شاخص و میرا کند، تنظیم‌کننده است. آقای مجتبی میرزاده یکی از هنرمندان بنام تنظیم در آن دوره بودند و بسیاری از کارهایی را که من یا خوانندگان دیگر خواندیم، تنظیم کردند. دفاع مقدس و جنگ تحمیلی پیر و جوان و هنرمند نمی‌شناخت، همه افشار در جبهه‌ها حضور داشتند، پس از مدتی که از جبهه برگشتم، سال ۱۳۶۴ از سوی وزارت ارشاد به صورت گروهی با هدف اجرای برنامه‌های هنری و موسیقی برای رزمنده‌ها به مناطق عملیاتی اعزام شدم، عاشق این کار بودیم و تعدادی از خواننده‌ها داوطلبانه آمدند و در قالب سه اتوبوس به همراه ارکستر و دستگاه‌های صوتی به مناطق عملیاتی و نزدیک خط‌مقدم می‌رفتمیم و برای رزمنده‌ها آثاری را اجرا می‌کردیم و بسیار مورد استقبال آنان قرار می‌گرفت، مثلاً گاهی به من می‌گفتند که مرا در تلویزیون می‌دیدند و اکنون در کنارشان هستم و آثاری را اجرا می‌کنم و دوران خیلی درخشان‌ی بود.

یکی از رزمنده‌ها تعریف می‌کرد که در عملیات بیت‌المقدس، سرود «خجسته باد این پیروزی» را که برای آزادسازی خرمشهر اجرا کرده بودیم با ابتکاری در منطقه در جریان عملیات و مبارزه با دشمن با بلندگوهایی در ماشین‌های جنگی پخش کرد، رزمندگان بسیار روحیه گرفته بودند و توانستند پیروز شوند، بر این اساس مسائل فرهنگی و هنری بسیار تأثیرگذار است اما متأسفانه در حال حاضر اهمیتی به آنها داده نمی‌شود.

باستان‌شناسی

حرم تپه ۵ هزار ساله

در غرب ایران مشخص شد



باستان‌شناسان، عرصه و حرم «تپه بور» در جوازود کرمانشاه را مشخص کردند. در این محوطه که با خطر ساخت‌وساز روستایی‌ها مواجه بوده، شواهدی از دوره‌های مس و سنگ هزاره دوم قبل از میلاد و اشکانی‌ها کشف شده است.

محوطه باستانی تپه بور در روستای تپه بور از توابع دهستان پلنگانه بخش مرکزی شهرستان جوازود استان کرمانشاه واقع شده است که به دلیل قرار گرفتن این تپه در بافت روستایی بر اثر ایجاد ساخت‌وسازهای مسکونی، بخشی از این تپه تاریخی تخریب شده است. این تپه در سال ۱۳۸۴ از سوی یعقوب محمدی‌فر با نام «تپه پشت‌آبادی تپه‌بور» شناسایی شده است.

با آنکه این تپه در ۲۳هپن‌ماه سال ۱۴۰۲ به شماره ۳۴۰۸ در فهرست میراث ملی ثبت شده است اما درخواست‌های مکرری از سوی اهالی روستا برای ساخت‌وساز در اطراف آن به میراث فرهنگی استان کرمانشاه شده بود، در نهایت با تصمیم مسئولان میراث فرهنگی، برنامه گمانه‌زنی برای تعیین عرصه و حرم این محوطه باستانی در تابستان ۱۴۰۳ آغاز شد.

اینگ پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری از پایان برنامه میدانی تعیین عرصه و حرم محوطه تاریخی تپه بور که با مجوز این پژوهشگاه و پشتیبانی مالی اداره کل میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان کرمانشاه در شهرستان جوازود انجام شد، خبر داده است. فرهاد فتاحی که سرپرست هیئت باستان‌شناسی تپه بور است، درباره آنچه در جریان گمانه‌زنی و تعیین عرصه و حرم این تپه شناسایی شده است، گفت: در مدت اجرای این برنامه جمعا ۲۳گمانه حفاری شد و بر اساس این گمانه‌ها، عرصه محوطه مشخص و حرم آن نیز پیشنهاد شد. با توجه به قطعات سفالی به دست آمده از محوطه تپه بور، قدیمی‌ترین شواهد استقرار در این محوطه متعلق به دوره مس و سنگ بوده و علاوه بر آن شواهدی از استقرار در هزاره دوم قبل از میلاد و دوره اشکانی را داراست که نشان از اهمیت این محوطه در مطالعات باستان‌شناختی منطقه است. این باستان‌شناس با بیان اینکه این برنامه دومین برنامه گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و حرم محوطه‌های باستانی شهرستان جوازود در دو سال گذشته است، بدون آنکه به برنامه حفاظتی از این تپه تاریخی اشرای‌ای داشته‌باشد، بیان کرد: امیدواریم با انجام این برنامه و تعیین عرصه و حرم محوطه، مشکلات اهالی روستای تپه بور در راستای اخذ مجوز و صدور پروانه ساخت رفع شود و در آینده‌ای نزدیک شاهد توسعه و آبادانی این روستا همراه با حفظ و صیانت از این محوطه باستانی باشیم.

فرهنگی

سرویس فرهنگی ۶۰۸۵۲۳۰



سینمای دفاع مقدس و لزوم پرهیز از خشونت

سینما

افشین علیار

سینمایی جنگ قطعاً از ژانرهای مهم و تأثیرگذار سینماست که می‌تواند نمایشی واقع‌گسرا از رخداد‌های جنگی باشد، اگر از خشونت صرف فاصله بگیرد و روی فرهنگ دفاع مقدس که خاص جنگ ماست تأکید کند. ■■■

سینمای جنگ به نوعی باورپذیری رویدادهای پیرامون و متن صحنه جنگ یک کشور را بازسازی می‌کند و این می‌تواند برای فرهنگ یک کشور مهم باشد چراکه فیلم‌های جنگی اگر بااصالت و واقعیت و در بستر درست نمایشی ساخته شوند، قطعاً مورد توجه کسانی که جنگ را ندیده‌اند، قرار می‌گیرد.

در ایران ژانر دفاع مقدس از سالی که جنگ ایران و عراق آغاز شد، توانست محبوبیت خاصی در میان مخاطبان ایجاد کند. از ۳۱شهربور با آغاز هفته دفاع مقدس تلویزیون کم‌وبیش فیلم‌هایی را که در این ژانر ساخته شده‌اند، نشان می‌دهد. به رغم تکراری‌بودن بخشی از این آثار اما همچنان فیلم‌هایی که در دهه ۶۰همزمان با جنگ تحمیلی ساخته شده است، جذاب‌تر به نظر می‌رسند. این در شرایطی است که در دهه‌های ۸۰، ۹۰ و ۹۰هم فیلم‌های جنگی ساخته شدند اما فیلم‌های جنگی دهه ۶۰ملموس‌تر بودند، به این دلیل که کارگردان‌های این آثار مثل ابراهیم حاتمی‌کیا، رسول ملاقلی‌پور یا احمدرضا درویش در جنگ حضور داشتند و توانسته بودند رخداد‌های جنگ ایران و عراق را به طور واقع‌گرایانه اما در بستر دراماتیک به فیلم تبدیل کنند.

در دهه ۷۰توجه خاص و ویژه‌ای به سینمای دفاع مقدس شد. بیش از ۴۰فیلم داستانی درباره جنگ ساخته شد. کارگردانان مهمی با فیلمنامه‌هایی خاص توانستند نگاهی درست و واقع‌گرایانه به آدم‌های جنگ داشته باشند.

نمایشگاه

وقتی صحبت از فرهنگ، هویت یا هنر می‌شود، همه دوست دارند از واژه جهانی استفاده کنند ولی تا وقتی روی زمین خودت ریشه نداشته باشی، جهان بی‌معناست. ما برای یکی از فرهنگ‌های جهان کار می‌کنیم، نه فقط فرهنگ ایران، برپراگاهی دستاوردهای تاریخی خود را دست‌کم می‌گیریم اما وقتی تاریخ را مرور می‌کنیم، می‌بینیم ایران با تمام افت‌وخیزها خاطره جاودانه‌ای در جهان به نام فرهنگش دارد. ■■■

حسین علیزاده به عنوان خالق «رویدادهای موسیقی ایران» در نشست رسانه‌ای پروژه «دستگاه‌های موسیقی ایران» که در فرهنگسرای ارسباران تهران برگزار شد، درباره اثر جدیدش توضیحاتی را ارائه داد و گفت: ما همه با ذوق و شوق برای پاسداری از فرهنگ تلاش می‌کنیم. اگر مفهوم پاسداری مشخص نباشد، پاسداری از فرهنگ می‌تواند با نگاه‌های مختلف آن را به یک چیز منفی یا مثبت تبدیل کند.

وی همچنین گفت: تمام کسانی که خیلی به ایرانی وایرانی‌بودن می‌بالند، از یک گذشته دور صحبت می‌کنند ولی نمی‌گویند ما چه هستیم. همه سیستم‌ها آمده و رفته‌اند و آنچه می‌ماند، تلاش و کار آن مردم و هنر است. زیستن است که می‌ماند. فرهنگ و ادبیات ایران می‌تواند یک ظرفیت جهانی داشته باشد ولی نمی‌توانیم بگوییم فقط ادبیات ما خوب است و نقاشی ما خوب نیست. در طول تاریخ درک درستی از موسیقی نبوده و حتی برخی با آن خصومت داشته‌اند. نمی‌توان موسیقی را نادیده گرفت، نمونه این امر سرود ملی است، پس سرود ملی را با چه اجرا می‌کنند؟ ما بساز!

این هنرمند ادامه داد: روزی که بفهمم وزارت فرهنگ ما فقط اسم فرهنگ را یدک نمی‌کشد، کنسرت می‌گذارم. ریشه من اینجاست، خارج از کشور برای من مهم نیست. اگر می‌خواهند هنر باورر شود، باید بگذارند هنرمند آزاد باشد، البته هنرمند آزاد است و جانش را هم در این راه می‌دهد. آن که می‌گذارد می‌رود، فقط نام هنرمند را یدک می‌کشد. دوست دارم در دامن مادرم کنسرت دهم و در سالتی که مجبور نشوم فرم‌هایی را بر کتم که در شأن من نیست.

در این میان سریال‌ها و تله‌فیلم‌های بسیاری در تلویزیون ساخته می‌شد، اگر چه سینمای اجتماعی و کم‌دی در دهه ۷۰طرفدار بی‌شماری داشت اما در کنار فیلم‌های جدی با روشنفکری، مخاطب از سینمای جنگ هم استقبال خاصی می‌کرد.

در این دهه حاتمی‌کیا فیلم‌های مهمی را برای این ژانر ساخت که همچنان «از کرخه تا این»، «ژانسی شیشه‌ای» یا «بوی پیراهن یوسف» به عنوان فیلم‌های بعد از جنگ از مهم‌ترین آثار محسوب می‌شوند، حتی در این دهه کمال تبریزی «لیلی با من است» را می‌سازد که نگاه طنزگونه‌ای از موقعیت یک انسان در جنگ دارد.

۸۰فیلم‌های دفاع مقدس تا حدودی از خاک‌ریزها فاصله گرفتند. کارگردانان می‌کوشیدند نگاه دیگری به مقوله جنگ داشته باشند و آن تأثیرات جنگ در جامعه معاصر بود.

احمدرضا معتمدی «دیوانه‌ای از قفس پرید» را ساخت، ابوالقاسم طالبی «غمه» و مازیار میری «پاداش سکوت» را ساختند اما در همین دهه مسعود دهمنکی تابوشکنی کرد و اثری کم‌دی درباره جنگ ساخت.

قطعاً «خارجی‌ها» به دلیل نوع داستان و ساختار برای مخاطب عام سینما هم تعجب‌برانگیز بود و هم جذاب که باعث شد دهمنکی ادامه آن را بسازد.

حسین علیزاده:

ریشه من اینجااست، خارج از کشور برای من مهم نیست



📷 ناصر جعفری | تسنیم

تمام کسانی که خیلی به ایرانی و ایرانی‌بودن می‌بالند، از یک گذشته دور صحبت می‌کنند ولی نمی‌گویند ما چه هستیم. همه سیستم‌ها آمده‌و رفته‌اند و آنچه می‌ماند، تلاش و کار آن مردم و هنر است. زیستن است که می‌ماند. فرهنگ و ادبیات ایران می‌تواند یک ظرفیت جهانی داشته باشد ولی نمی‌توانیم بگوییم فقط ادبیات ما خوب است و نقاشی ما خوب نیست

نمای نزدیک

فرصتی وجود داشته باشد، می‌توانیم کار کنیم. این پروژه در روزگار سخت کرونا در ذهنم شکل گرفت. دیدم که می‌توانیم اگر کسی باشد که بین صاحبان صلاحیت صحبت درباره ردیف موسیقی ایران داشته باشد، با توجه به گذشته خودم و استادانی که داشتم‌ام، آن فرد خودم هستم.



حمله به ترامپ در اولین نمایش «مگالوپولیس»

در اولین نمایش «مگالوپولیس» در نیویورک رابرت دنیرو در حالی که از سوی اسپایک لی پشتیبانی می‌شد، آمدن ترامپ را فاجعه خواند و گفت: ما چنین نوع آدمی را نمی‌خواهیم. در مراسم اولین نمایش «مگالوپولیس» جدیدترین فیلم فرانسیس فورد کاپولا که با حضور بازیگران آن در نیویورک برگزار شد، رابرت دنیرو فرضیه‌ای را مطرح کرد که حتی با وجود خیلی جدی بودن چهره او، حضار به خنده افتادند.

وی گفت: «فقط تصور کنید دونالد ترامپ این فیلم را کارگردانی کند. از بس دیوانه است، هرگز به جایی نمی‌رسد. او نمی‌تواند هیچ کاری انجام دهد. نمی‌تواند چیزی را کنار هم نگه دارد. او می‌خواهد کشور را ویران کند. او نتوانست در سینما هم کار کند. او نمی‌توانست کاری انجام دهد که ساختار داشته باشد.»

دنیرو، اسپایک لی و کاپولا در یک جلسه پرسش و پاسخ نیم‌ساعته که قبل از نمایش فیلم مگالوپولیس در جشنواره فیلم نیویورک در قالب ایکس برگزار شد، نظرات خود را درباره خنده افتادن

در حالی که جشنواره فیلم نیویورک جمعه آغاز می‌شود اما با فراهم آمدن فرصتی نادر برای جمع‌آوری مهمانان برجسته در کنار کاپولای ۵۸ساله برای تماشای فیلم به صورت ایکمس، این برنامه برگزار شد.

پس از این نشست هم فرش قرمز فیلم با حضور بازیگران از جمله اوبری پلازا، داستین هافمن و جیانکارلو اسپوزیتو برگزار شد.

در آخرین دقیق پرسش و پاسخ، دنیرو و اسپایک لی به صراحت به تشابه بین دنیای خیالی فیلم و اضطرابی که در سال انتخابات بر امریکا حاکم است، پرداختند.



در حالی که از دنیرو درباره دیدگاهی درباره آینده سینما سؤال شد، او از زاویه‌ای سیاسی به مسئله پرداخت و با تمرکز بر توجه کاپولا بر زوال تمدن‌ها و ظهور دیکتاتور‌ها گفت: من نگران هستم. من چیزهایی را در فیلم فرانسیس در این باره می‌بینم که مواردی مشابه دارد. به نظر من، تازمانی که به اینجا رسیدیم، تمام نشده و باید با تمام وجود برای شکست دادن جمهوری خواهان – که جمهوری خواهان واقعی نیستند – و شکست‌دادن ترامپ، این کار را انجام دهیم، به همین سادگی. ما نمی‌توانیم چنین نوع آدمی داشته باشیم، همه باید بیرون بروند و رأی بدهند.

اسپایک لی هم در موافقت کردن تردید نکرد و گفت: خواهرم همیشه می‌گوید، پیش به جلو نه عقب. ساده است. برای رأی‌دادن ثبت‌نام و حضور پیدا کنید. این انتخابات بسیار نزدیک است. من طرفدار پروپا قرص ورزش هستم و تعبیری که شما به کار بردید، تازمانی که تمام نشود، تمام نمی‌شود، درست است. ما نمی‌توانیم فکر کنیم که بازی تمام شده، در حالی که تمام نشده است.

کاپولا هم عنوان کرد که عمداً بازیگرانی را انتخاب کرده که می‌داند به روش دیگری رأی می‌دهند. هرچند او نامی ذکر نکرد، اما جان وویت از مدافسان جدی ترامپ است که در فیلم نقش مهمی بر عهده دارد. این فیلمساز با ابراز امیدواری گفت: ما می‌توانیم در یک مجموعه فیلم باهم اختلاف نظر داشته باشیم، اما انسایتی باید بتواند پیروز شود.

در این نشست این سه چهره مهم سینمایی از خاطرات خود در محافل مشترک فیلم نیویورک و زمانی که همه آنها برای اولین بار باهم ارتباط

برقرار کردند، حرف زدند. دنیرو و کاپولا خاطرات «پدر خواننده» و دهه ۱۹۷۰ در تجارت فیلم را مرور و به طور مکرر از دوست مشترک خود مارتین اسکورسزی یاد کردند.

«مگالوپولیس» نخستین بار به عنوان یک اثر تمام‌شده حدود دوماه پیش در کن دیده شد.

این فیلم نقدها و واکنش‌های متفاوتی در کن برانگیخت و در حالی که برخی از جاه‌طلبی حماسی آن استقبال کردند، برخی آن را اغراق‌آمیز و متظاهرانه و برخی هم یک دستاورد بسیار خیره‌کننده و کارک‌هنر مند چیردست خواندند.